



Supporting Third Parties in the Process of Managing Joint Stock Companies in Iranian and English Law

Somayah Rahmani¹, Mohammad Issaei Tafreshi^{2*}, Habib Ramezani Akerdi³, Esmail abbasi⁴

1. Department Private of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department Private of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
3. Department of Law, Imam Khomeini International University (RA), Tehran, Iran.
4. Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:223-246

Article history:

Received: 31 Oct 2024

Edition:11 Jan 2025

Accepted: 06 Mar 2025

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Joint Stock Company, Third Parties, Company Administration, Iranian Law, English Law.

Corresponding Author:

Mohammad Issaei Tafreshi

Address:

Iran, Tehran, Tarbiat Modares University, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0002-1214-0428

Tel:

09121247111

Email:

tafreshi@modares.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: The purpose of this study is to analyze and explain the mechanisms for protecting the rights of third parties in the process of managing joint-stock companies within the framework of Iranian and English law.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: In Iranian law, the principle of mandatory regulations governing the rights of joint stock companies is in place; while in England, the principle of complementary regulations governing joint stock companies exists except in matters where there is a possibility of violating the rights of third parties.

Conclusion: The main legal mechanism in Iran and England to protect third parties in the process of managing joint-stock companies is the lack of effect of violations of the governing regulations on the rights of third parties and the inability to rely on decisions and transactions against individuals, which results in the need to compensate for damages in favor of third parties.

Cite this article as:

Rahmani, S; Issaei Tafreshi, M; Ramezani Akerdi, H; Abbasi, E. *Supporting Third Parties in the Process of Managing Joint Stock Companies in Iranian and English Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

حمایت از اشخاص ثالث در فرآیند اداره شرکتهای سهامی در حقوق ایران و انگلیس

سمیه رحمانی^۱، محمد عیسائی تفرشی^{۲*}، حبیب رمضانی آکردی^۳، اسماعیل عباسی^۴

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، تهران، ایران.

۴. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر واکاوی و تبیین سازوکارهای حمایت از حقوق اشخاص ثالث در فرآیند اداره شرکتهای سهامی در چهارچوب حقوق ایران و انگلیس می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: در حقوق ایران اصل بر آمره بودن مقررات حاکم بر حقوق شرکتهای سهامی است؛ در حالیکه در انگلستان، اصل تکمیلی بودن مقررات حاکم بر شرکتهای سهامی وجود دارد مگر در موضوعاتی که امکان تضييع حقوق اشخاص ثالث در آنها وجود داشته باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه: عمده‌ترین سازوکار حقوقی در ایران و انگلیس به منظور حمایت از اشخاص ثالث در فرآیند اداره شرکتهای سهامی، عدم تأثیر نقض مقررات حاکم نسبت به حقوق اشخاص ثالث و عدم قابلیت استناد به تصمیم و معامله در مقابل اشخاص بوده که نتیجه آن، لزوم جبران خسارت به نفع ثالث است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲۳-۲۴۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

شرکت سهامی، اشخاص ثالث، اداره شرکت، حقوق ایران، حقوق انگلیس.

نویسنده مسئول:

محمد عیسائی تفرشی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

09121247111

کد ارکید:

0000-0002-1214-0428

پست الکترونیک:

tafreshi@modares.ac.ir

۱. مقدمه

حقوقی در این باره مبنای مطالعه قرار گرفتند تا سازوکارهای حمایت از حقوق اشخاص ثالث در موارد عدم رعایت مقررات الزامی مربوط به تصمیم‌گیری و معاملات شرکت‌های سهامی، واکاوی شود و در نهایت حدود کارآمدی هر یک از نظامات حقوقی در این باره تشریح گردد.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: محمد رجبعلی دماوندی، پژمان پیروزی، شکوه نامدار و مهشیدسادات طبایی (۱۴۰۱) در مقاله مشترکی تحت عنوان «مسئولیت مدیران شرکت‌های سهامی در پرتو دو قاعده آلتراوایریز و خرق حجاب شخصیت حقوقی در ایران با نگاهی به حقوق انگلستان»، اذعان داشته‌اند که «مطابق مواد ۵۸۳ و ۵۸۸ قانون تجارت ایران، کلیه شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند. این حکم قانونی بدان معنا است که حقوق و تعهدات شرکت‌های تجاری مستقل از اشخاص حقیقی بوجود آورنده آن می‌باشد؛ بنابراین اگر یک شرکت تجاری مبادرت به انعقاد قراردادی با اشخاص ثالث نماید تحت هر شرایطی، شرکت مسئول ایفای تعهدات خود خواهد بود و این موضوع ارتباطی با سهامداران و یا مدیران نخواهد داشت». همچنین محمدصادق مبارکی اترآبادی (۱۳۹۸) در پژوهش تحت عنوان «بررسی حقوق طلبکاران در شرکت‌های شخص در قانون ایران با نگرش بر حقوق انگلیس»، به بررسی حقوق طلبکاران شرکت‌ها در قانون ایران و انگلیس پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که «هر چند قوانین مرتبط در جهت تضمین حقوق اشخاص ثالث و طلبکاران در شرکت‌های شخص خالی از نقص نیست، منتها توانسته است در باب مسئولیت مدیران و همچنین تأدیه دیون انتظارات موجود را تا حد

در شرکت‌های سهامی، مسئولیت هریک از سهامداران در مورد بدهی‌های شرکت، محدود به مبلغ سرمایه‌گذاری شده است و یک نتیجه‌ی این امر، انتقال خطر بحران مالی به اشخاصی است که طرف قرارداد و معامله با این شرکت‌ها قرار می‌گیرند. بنابراین می‌توان بیان داشت: فعالیت این نوع شرکت‌های تجاری در پرتو شخصیت حقوقی مستقل، بستانکاران و اشخاص ثالثی را که با این شرکت‌ها به شیوه‌های مختلف همکاری دارند؛ تهدید می‌نماید. حمایت از اشخاص ثالث به طور کلی در شرکت‌های سرمایه بیشتر موضوعیت پیدا می‌کند، زیرا در شرکت‌های اشخاص اساساً به علت وجود شرکای ضامن، منافع اشخاص ثالث تا حد زیادی تأمین شده و مسئولیت تضامنی یا نسبی تمام یا برخی از شرکا در این قسم از شرکت‌ها حساسیت حمایت از اشخاص ثالث را از بین برده است. در پژوهش حاضر منظور از «شخص ثالث»، شخصی است که طرف ارتباط با شخصیت حقوقی بوده و مشتمل بر سهامداران، طلبکاران و طرف‌های معامله با شرکت می‌باشند که ممکن است در فرآیند اداره شرکت (اعم از فرآیند تصمیم‌گیری و فرآیند معاملات شرکت) دچار خسران شوند؛ فلذا برای حمایت از حقوق اشخاص ثالث، قوانین داخلی کشورها، سازوکارهایی را در نظر گرفته‌اند تا از تضییع حقوق اشخاص مزبور، جلوگیری به عمل آورند. پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که، سازوکارهای حفظ حقوق اشخاص ثالث در فرآیند اداره شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس چگونه است؟ در پژوهش حاضر، حقوق ایران و انگلیس در دو نظام حقوقی متفاوت اسلام و کامن‌لا به عنوان دو منبع

۵-۱. موارد نقض مقررات راجع به

فرآیند تصمیم‌گیری شرکت‌های سهامی

در این قسمت به تبیین موارد نقض مقررات راجع به فرآیند تصمیم‌گیری شرکت‌های سهامی پرداخته خواهد شد.

۵-۱-۱. نقض مقررات راجع به فرآیند

تصمیم‌گیری شرکت‌های سهامی در حقوق ایران

برای اتخاذ تصمیمات مختلف در شرکت‌های سهامی باید تشریفات (ذیل ماده ۲۵۹ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت) رعایت شود. عدم دعوت از مجمع برای انتخاب بازرسان شرکت یا عدم دعوت از بازرسان شرکت برای حضور در مجمع عمومی صاحبان سهام توسط رئیس و اعضای هیأت مدیره شرکت، از جمله نقض مقررات مربوط به فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی شمرده می‌شود. چنانچه اشخاص صالح به دعوت از مجمع، رعایت تشریفات مندرج در مواد ۹۷، ۹۸ و ۱۰۰ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مبنی بر نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار شرکت، رعایت حداقل و حداکثر فاصله زمانی مقرر بین نشر آگهی و تشکیل جلسه و عدم درج مفاد لازم در آگهی دعوت از مجمع شرکت را ننمایند، درواقع اقدام نقض مقررات مربوط به دعوت نموده‌اند.

بازرسین با داشتن نقش به‌سزایی که در مورد اطلاع‌رسانی به سهامداران و اظهار نظر راجع به صحت اطلاعات و گزارش‌های مدیران از وضعیت شرکت بر عهده دارند، ممکن است در مواردی مقررات راجع به وظایف خود تخطی نماید. بر همین اساس نیز قانون‌گذار در مواد ۱۵۴ و ۲۶۷ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت به ترتیب به تبیین مسئولیت مدنی و کیفری برای

زیادی مرتفع نماید.» اغلب پژوهش‌هایی که مرتبط به موضوع پژوهش حاضر به انجام رسیده، از میان موضوعات مرتبط با شرکت‌های سهامی و رویکرد حقوق دو کشور ایران و انگلیس، به موضوعاتی چون سهام در شرکت‌های سهامی، سهامدارن اقلیت، طلبکاران از شرکت‌های سهامی، اختیارات مدیران، نقش بازرسان و حساب‌رسان و... پرداخته شده است اما تاکنون در خصوص حمایت از اشخاص ثالث در چهارچوب فرآیند اداره شرکت‌های سهامی پژوهشی صورت نپذیرفته است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

در حقوق ایران اصل بر آمره بودن مقررات حاکم بر حقوق شرکت‌های سهامی است؛ در حالیکه در انگلستان، اصل تکمیلی بودن مقررات حاکم بر شرکت‌های سهامی وجود دارد مگر در موضوعاتی که امکان تزییع حقوق اشخاص ثالث در آنها وجود داشته باشد.

۵. بحث

در این قسمت، دو مرحله «اداره شرکت» یعنی فرآیند تصمیم‌گیری و معاملات شرکت به تفکیک مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

موضوع ماده ۱۷۲، نقض وظیفه مدیران نسبت به تعهد ایشان در رابطه با عمل به نحو مستقل موضوع ماده ۱۷۳، نقض وظیفه مدیران نسبت به تعهد ایشان در رابطه با امانتداری، رعایت مهارت و پشتکار موضوع ماده ۱۷۴ و نقض وظیفه مدیران نسبت به تعهد ایشان در رابطه با عدم تعارض منافع با شرکت موضوع ماده ۱۷۵ در فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت ناشی شود و متصور گردد (Hannigan, 2012, 154).

۲-۵. حمایت از حقوق اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات راجع به فرآیند تصمیم‌گیری شرکت‌های سهامی

در این قسمت سازوکارهای حمایت از حقوق اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات راجع به فرآیند تصمیم‌گیری شرکت‌های سهامی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱-۲-۵. حمایت از حقوق اشخاص در موارد نقض مقررات راجع به فرآیند تصمیم‌گیری شرکت‌های سهامی در حقوق ایران

یکی از اقداماتی که قانون‌گذار در جهت حمایت از حقوق اشخاص ثالث در رابطه با تصمیمات شرکت و فرآیند تصمیم‌گیری به طور منصوص اتخاذ نموده است، الزام به دعوت از مجامع عمومی شرکت‌ها تبلور ویژگی اصلی شرکت یعنی مشارکت هستند. چنانچه هیأت مدیره شرکت سهامی عام به وظیفه خود در خصوص دعوت از مجامع در موارد مقرر قانونی مانند دعوت عمومی سالیانه به جهت تشکیل مجمع عمومی سالانه یا تشکیل مجمع عمومی فوق العاده برای تغییر در اساسنامه و سایر موارد الزامی، اقدام نکند؛ عملاً حقوق و منافع اشخاص ثالث اعم از سهامداران، طلبکاران، کارکنان و سایر ذینفعان را به مخاطره می‌اندازد. پیش‌بینی

بازرسین پرداخته است. به علاوه مطابق ماده ۱۵ از دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، در شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس، کمیته‌های تخصصی موضوع ماده ۱۴ این دستورالعمل نیز موظف به ارائه گزارش فعالیت سالانه خود در یک سرفصل جداگانه از گزارش فعالیت هیأت مدیره در مجمع عمومی سالانه هستند که چنانچه به درستی به وظایف خود عمل ننمایند، مطابق ماده ۴۲ از همین دستورالعمل ناقض شمرده شده و به شرح ماده مذکور ممکن است مشمول مجازات انضباطی شوند.

۲-۱-۵. نقض مقررات راجع به فرآیند تصمیم‌گیری شرکت‌های سهامی در حقوق انگلیس

به طور کلی قواعد ناظر بر مقررات نقض را با اصطلاح «breach» می‌توان در کامن‌لا یافت. در مورد فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت‌های سهامی، تصمیماتی که اتخاذ آنها در حدود صلاحیت مجامع و سهامداران است، چنانچه از سوی مدیران با نقض روبرو شود، از آنجایی که از اساسنامه شرکت نشأت می‌گیرد با عنوان تخلف از مقررات اساسنامه شناخته می‌شود (Hannigan, 2012, 159).

لکن این نقض مقررات در تصمیم‌گیری توسط مدیران تنها به وظایف آنها که مرتبط با اساسنامه باشد، محدود نمی‌گردد. به موجب مواد ۱۷۱ الی ۱۷۷ از قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلستان که موضوع قسمت دهم این قانون و فصل دو آن است، نقض مقررات مرتبط با فرآیند تصمیم‌گیری ممکن است از نقض وظیفه مدیران نسبت به تعهد ایشان در رابطه با عمل در حدود اختیارات ایشان موضوع ماده ۱۷۱، نقض وظیفه مدیران نسبت به تعهد ایشان در رابطه با عمل در راستای موفقیت شرکت

این موضوع باعث شده که عدم دعوت از سهامداران برای تشکیل مجمع عمومی سالیانه برای رسیدگی به حساب‌های سالیانه شرکت در ماده ۲۵۴ و انتخاب بازرسان جدید شرکت در ماده ۲۵۹ جرم انگاری شده و در مواد ۹۱ و ۹۵ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، چاره کار با پیش‌بینی امکان دعوت مجمع از سوی بازرس و دارندگان اقلأً ۲۰ درصد از سهام شرکت اندیشیده شود. به علاوه در ماده ۱۳۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، در صورتی که مدیران یا بازرسین شرکت برای دعوت تشکیل مجمع عمومی برای انتخاب مدیران جدید در صورت انقضای مدت مدیریت مدیران اقدامی نکنند، هر ذینفعی امکان طرح این درخواست به طرفیت اداره ثبت شرکت‌ها را دارد. چرا که عملاً بدون تشکیل مجمع عمومی برای انتخاب مدیران جدید، امکان رسیدگی به حساب‌های سالیانه شرکت نیز میسر نبوده و امکان تضرر به حقوق اشخاص ثالث به خصوص طلبکاران شرکت از این موضوع بسیار محتمل خواهد بود (صقری، ۱۴۰۱، ۵۶۰-۵۶۳). این الزام حتی در موقعی که شرکت در آخرین مرحله از خط حیات خود به سر می‌برد (ذیل ماده ۲۱۹ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت) یعنی در مرحله تصفیه نیز با ضمانت اجرا همراه است. (اسکینی، ۱۳۹۸، ۱۵۰-۱۵۱).

سرمايه شرکت و تغییرات آن می‌شود. بدان جهت که علت عمده پدید آمدن و باقی ماندن هر شرکت تجاری به طور ویژه شرکت‌های سهامی در صحنه تجارت، سوددهی به سرمايه‌گذاران آن است؛ توجه قانون‌گذار به حمایت از حقوق اشخاص ثالث در تصمیماتی که در شرکت‌های سهامی راجع به این موضوعات گرفته می‌شود، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

در این وضعیت امکان ایجاد تعارض منافع بین گروه‌های مختلف اشخاص ثالث، یعنی سهامداران، طلبکاران و کارکنان شرکت بسیار زیاد خواهد بود. چرا که مدیران به طور سنتی به دنبال افزایش بازدهی شرکت و به دنبال آن کسب رضایت سهامداران شرکت هستند. بر همین اساس نیز احتمال اینکه دست به اقدامات پرریسکی در فعالیت تجاری شرکت بزنند، بیشتر خواهد شد. از طرف دیگر طلبکاران شرکت با توجه به استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شرکاء و محدوده مسئولیت شرکت سهامی به سرمايه آن، ترجیح می‌دهند اقدامات مدیران محتاطانه‌تر باشد. به علاوه کارکنان شرکت‌ها نیز چنانچه با ساده انگاری وظایف خود یا سوء استفاده از اموال شرکت که در اختیار آنان است، موجب پایین آوردن کیفیت سوددهی شرکت شوند، به این تعارض منافع دامن می‌زنند (صادقیان ندوشن و باقری، ۱۳۹۵، ۱۴۲).

یکی از مواردی که قانون‌گذار در آن برای حمایت از اشخاص ثالث به ثبت رساندن مصوبات مجمع را الزامی نموده است، ثبت تصمیم مجامع عمومی نسبت به تغییر در اعضای هیأت مدیره و به طور کلی مدیران شرکت است. این موضوع در مواد چندی از قوانین مختلف از جمله ماده ۷ قانون ثبت شرکت‌ها بیان شده است. بخش مهمی از تصمیمات شرکت‌های سهامی در ایران مربوط به

پیش‌بینی این وضعیت باعث شده که قانون‌گذار الزامات مهمی را در خصوص اتخاذ تصمیماتی که به سرمايه شرکت مربوط می‌شود برای جهت حمایت از حقوق اشخاص ثالث مقرر کند. از جمله این الزامات صدور ترازنامه شرکت برای سنجش عملکرد مالی شرکت است. در ترازنامه شرکت‌ها دو ستون بدهی خارجی و بدهی داخلی وجود

مندرج در ماده ۲۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، به عنوان یکی از موضوعات کلیدی که مجمع عمومی باید نسبت بدانها تصمیم گرفته، امکان تخصیص و تقسیم بین سهامداران را پیدا می کند. بدین معنا که چنانچه اندوخته قانونی و سایر بدهی‌های شرکت به درستی در ترازنامه شرکت سهامی به عنوان مهمترین سند مالی شرکت‌های تجاری ثبت نشده باشند، ترازنامه وجود سود موهوم و غیرواقعی را نشان داده و در صورت تقسیم این سود میان سهامداران، سود مزبور منعت موهوم شناخته شده و به موجب مقررات عمومی راجع به قاعده منع دارا شدن به غیر حق، پس از ابطال فرآیند تقسیم سود، مبالغ واریز شده به حساب سهامداران باید به شرکت عودت شوند.

از طرف دیگر با توجه به اینکه به موجب ماده ۹۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، چنانچه سود قابل تقسیمی وجود داشته باشد، تقسیم ده درصد از آن بین صاحبان سهام الزامی بوده و اجرای این امر یعنی تقسیم سود پس از تصویب مجمع عمومی، وظیفه مدیران شرکت است؛ چنانچه مدیران از این وظیفه خود تخطی نمایند، به موجب ماده ۱۴۲ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود.

تصمیم بسیار مهم دیگری که در حوزه سرمایه شرکت به حقوق اشخاص ثالث بسیار مرتبط بوده و قانون‌گذار برای حمایت و پیشگیری از به مخاطره افتادن حقوق این اشخاص در رابطه با آن ضمانت اجرای کیفری برای مدیران تعیین کرده، کاهش سرمایه شرکت به صورت اجباری به دلیل از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت،

داشته که بدهی‌های خارجی همان بدهی شرکت به اشخاص ثالث از جمله طلبکاران است (صقری، ۱۴۰۱، ۶۰۶-۶۰۷).

به علاوه بازرسان شرکت‌های سهامی با به کار بردن اصول مهم ثبات رویه و قابلیت مقایسه در تعیین ارزیابی اسناد مالی شرکت از آن میان ترازنامه در جهت حفظ حقوق سهامداران و کمک به اتخاذ تصمیم صحیح نسبت به عملکرد مالی سالیانه شرکت در مجمع عمومی سالیانه شرکت هستند. چرا که چنانچه صداقت در تنظیم ترازنامه شرکت رعایت نشود، سبب بطلان مصوبه مجمع عمومی سالیانه در تصویب ترازنامه شرکت و همچنین مصوبه تخصیص و پرداخت سود قابل تقسیم به سهامداران ایجاد می‌گردد (حاجیها و چناری، ۱۴۰۲، ۸۸-۹۰).

همچنین پیش‌بینی تعیین اندوخته قانونی و راکد نگاه داشتن آن نزد حسابی در بانک به موجب مواد ۱۴۰ و ۲۳۸ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، در حقیقت به کارگیری تضمینی بیشتر از سرمایه ثبتي شرکت به عنوان وثیقه طلبکاران در جهت حمایت از حقوق این دسته از اشخاص ثالث توسط قانون‌گذار ایرانی است (صقری، ۱۴۰۱، ۶۲۰-۶۲۲).

علاوه‌براین؛ ممکن دانستن تعیین اندوخته اختیاری موضوع ماده ۲۳۹ علاوه بر اندوخته قانونی، بیشتر اقدامی در جهت حمایت از حقوق طلبکاران می‌باشد؛ چرا که پیش‌بینی کنار گذاشتن اندوخته اختیاری چون موجب کاهش سود تقسیمی میان سهامداران می‌گردد به تعارض منافع میان سهامداران و طلبکاران و اضرار به سهامداران اقلیت در نتیجه اعمال قاعده اکثریت در شرکت‌های سهامی منجر می‌شود. چرا که سود قابل تقسیم تنها پس از گذراندن واقعی تشریفات

نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی». در بعضی موارد نیز، قانون‌گذار سعی نموده تا با استفاده از وضع قوانین و مقررات مشوقانه، فرآیند تصمیم‌گیری در شرکتهای سهامی را در مسیری با حمایت از حقوق ثالث هدایت کند؛ مانند پیش‌بینی معافیت‌های مالیاتی که در رابطه با ثبت و نشر اطلاعات مربوط به تصمیمات شرکت در تغییراتی که مربوط به سرمایه شرکت می‌شود.

۲-۲-۵. حمایت از حقوق اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات راجع به فرآیند تصمیم‌گیری شرکتهای سهامی در حقوق انگلیس

آگاهی از اطلاعات مالی شرکت توسط سهامداران و تسهیل ارتباط با شرکت در مواردی که شرکت از اقسام شرکتهای سهامی عام و همچنین شرکتهای بورسی است در مواد مختلفی از قانون شرکتهای سال ۲۰۰۶ تبیین شده است. مانند پیش‌بینی استفاده از ابزارهای الکترونیکی همچون ارسال گزارشات مالی، اطلاعاتیه‌های مربوط به برگزاری مجامع و هرگونه موضوعی که شرکت نیاز و الزام به اطلاع رسانیدن به سهامداران دارد را می‌توان به ایمیل سهامداران ارسال نمود یا حسب مورد با انتشار در وب سایت شرکت، علاوه بر امکان دسترسی آزاد ایشان به نسخه‌های چاپی موجود در شرکت ممکن است. اعتبار استفاده از این راهکارها در مواد ۱۱۴۳ تا ۱۱۴۸ قانون شرکتهای سال ۲۰۰۶ که مندرج در جداول شماره ۴ و ۵ پیوست این قانون، در خصوص شرکتهای سهامی عام و مواد پراکنده‌ای همچون ۳۴۱، ۳۵۱، ۴۳۰، ۵۲۷ و بند الف از ماده ۳۱۱ در خصوص شرکتهای فعال در بازار بورس اعلام

موضوع ماده ۲۶۵ و همچنین بند ۱ از ماده ۲۴۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت است. در همین راستا و در جهت حمایت از طلبکاران، ماده ۱۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، از ممنوعیت پرداخت سود و منفعت به شرکاء در هنگام ورود ضرر به شرکت و قبل از جبران آن بحث می‌کند. در ادامه قانونگذار اندوخته قانونی را برای شرکت پیش‌بینی می‌کند که علاوه بر سرمایه اولیه، پشتوانه‌ای برای ذینفعان شرکت در افزایش و کاهش‌های سرمایه شرکت در روند بازار می‌باشد (صادقیان ندوشن و باقری، ۱۳۹۵، ۱۵۳-۱۵۴).

همچنین تصمیم‌گیری راجع به بعضی موضوعات مانند پرداخت سود به اعضای هیأت مدیره تنها با شرایطی که در مواد قانونی مقید شده است امکان‌پذیر است. هدف قانون‌گذار از برقراری اینگونه الزامات حفظ سرمایه شرکت که وثیقه طلب اشخاص ثالث و همچنین حقوق سایر سهامداران علی‌الخصوص سهامداران اقلیت است. به موجب ماده ۴۲ از دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، «کلیه اشخاص مشمول دستورالعمل، موظفند مفاد دستورالعمل را رعایت نمایند. در غیر این صورت شرکت و یا مدیران شرکت، متخلف محسوب شده و حسب مورد و به تناسب تخلف ارتكابی، به یک یا چند نوع از مجازات‌های انضباطی زیر محکوم می‌شوند: الف- تذکر کتبی با درج در پرونده؛ ب- اخطار کتبی با درج در پرونده؛ پ- جریمه نقدی موضوع ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی؛ ت- سلب صلاحیت از ادامه تصدی سمت مطابق با آیین‌نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و

شده‌اند (Lowry & Reisberg, 2012, 154-155).

در رابطه با مشارکت سهامداران در اداره شرکت، مسائل عملی زیادی وجود دارد که باید در نظر گرفته شود. رویه‌های مربوط به فرآیند مجامع که در بخش سیزدهم از قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ بهبود یافته، مفید هستند ولی نگرانی‌هایی که سهامدارانی که خود، شرکت تجاری یا نهادهای مالی هستند در مورد مسائلی همچون تعهدات خود در مقابل سهامدارانشان، منابع مورد نیاز برای مشارکت، مشکلات ایجاد یک ائتلاف حمایتی و موارد دیگری از این دست، در مشارکت این دست از سهامداران مؤثر است. بنابراین داشتن انتظارات واقع بینانه در رابطه با مشارکت سهامداران در حاکمیت شرکتی مهم است. مشارکت سهامداران در مسئله حاکمیت شرکتی به اندازه‌ای مهم است که هیأت مدیره می‌تواند در راستای آن مداخله نماید لکن ارزش واقعی این مشارکت در جایی که سهامداران خود بالخصوص به عنوان ابزاری برای مدیریت ریسک از آن استفاده نمایند، مشخص می‌گردد. این مشارکت چنانچه به شکل متمرکز و توسط خود سهامداران بدون مداخله هیأت مدیره صورت پذیرد، در مواردی آثاری مؤثر می‌تواند بر جای بگذارد به عنوان مثال زمانی که دسته‌ای از سهامداران آگاهند که سرمایه‌گذاری که توسط شرکت در حال انجام است می‌تواند موجب ضرر یا فاجعه شود، با خروج به موقع خود از شرکت می‌توانند از دست دادن تمام سرمایه خود جلوگیری نمایند و همین خروج می‌تواند مانند هشدار سایر سهامداران را به نزدیک شدن فاجعه و به بار آمدن خسارت، آگاه نماید (Hannigan, 2012, 136).

یکی از نوآوری‌هایی که در قانون سال ۲۰۰۶ شرکت‌ها برای حمایت بیشتر از اشخاص ثالث پدید آمده، دادن حق رأی و مشارکت به سرمایه‌گذاران غیرمستقیم است. در این رویه مدرن، سرمایه‌گذاران از طریق یک نهاد واسط در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند. اساساً شرکت تنها به سهامداری که به طور قانونی به ثبت رسیده است، حق مشارکت می‌دهد و ذینفعان غیرمستقیم که ممکن است سرمایه این سهامدار را تأمین نموده باشند، امکان مشارکت در شرکت را ندارند. اغلب استدلال می‌شود که مشارکت سهامداران نیازمند راهبردی است که به موجب آن سرمایه‌گذار غیرمستقیم یا تأمین کننده واقعی سرمایه، می‌تواند با شرکت تعامل داشته باشد و توسط آن شناخته شود. لکن این موضوع یعنی تعیین مقرراتی برای اعطای حق رأی به ذینفعان غیرمستقیم سهام، در تدوین قانون سال ۲۰۰۶ به محل بحث شدید در پارلمان تبدیل شده بود. از یک طرف، در جایی که سرمایه‌گذاران اصلی، اشخاصی فرامرزی هستند و از طرف دیگر شرکت‌های تأمین سرمایه با تعداد بسیار زیادی سهامداران ثبت شده و تعداد غیرقابل اندازه‌گیری صاحبان منافع غیرمستقیم، نگران این بودند که پی گرفتن چنین رویکرد لیبرالی در اعطای حق رأی به ذینفعان غیرمستقیم، موجبات ایجاد هرج و مرج اداری بزرگ و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های نگهداری و ثبت سهام شود. بر همین اساس آنچه در بخش نهم از قانون سال ۲۰۰۶ شرکت‌ها به تصویب رسید گام کوچک رو به جلویی در حمایت از اشخاص ثالث و ذینفعان غیرمستقیم در مقابل دیدگاه «تنها به رسمیت شناختن سهامداران ثبت شده» بود. بر این اساس در این قانون دو راهکار پیش‌بینی شد. یکی راهکار مندرج در ماده ۱۴۵

مورد اصلاح قرار داده یا بدین شکل به تصویب رسانیده‌اند (Hannigan, 2012, 138).

در مورد راهکار ماده ۱۴۶ از این قانون نیز باید گفته شود که منظور از حقوق مربوط به اطلاعات شرکت، حقوقی است که به ارتباطات سهامداران با شرکت یعنی ارزیابی شفاف از عملکرد شرکت و همچنین اطمینان از پاسخگویی هیأت مدیره و حق سهامداران نسبت به دریافت گزارش عملکرد مالی سالیانه شرکت مربوط می‌شود که در این ماده و مواد بعدی توسط قانون‌گذار انگلستان تبیین شده است. همچنین به موجب بند دوم از ماده ۱۵۰ این قانون، هرگونه تخطی شرکت نسبت به حقوق مرتبط با اطلاعات که به نماینده سهامدار ثبت شده انتفاع یا اعمال آن اعطاء وکالت شده باشد، از آنجایی که تخطی نسبت به مفاد اساسنامه شرکت است، تنها توسط سهامدار ثبت شده قابلیت پیگیری حقوقی را دارد و نماینده وی از این حق بهره‌مند نیست (Lowry & Reisberg, 2012, 258-259).

در ماده ۳۲۵ از این قانون برای حمایت از سهامداری که به انتصاب و معرفی نماینده خود برای حضور در جلسه اقدام نموده لکن بیانیه حقوق نماینده در جلسه مجمع برای وی ارسال نشده باشد، یک ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده است. به موجب بندهای ۳ و ۴ از این ماده شخص مرتکب، مجرم شناخته شده و محکوم به پرداخت جزای نقدی تا درجه ۳ خواهد شد (Hannigan, 2012, 342).

مستند به ماده ۲۹۵ از این قانون چنانچه به دلیل عدم رعایت تشریفات و الزامات در فرآیند تصمیم‌گیری به روش مصوبات مکتوب به شرکت یا هر شخصی، ضرری وارد گردد، این موضوع توسط دادگاه قابلیت استماع دارد. به علاوه

این قانون است که شرکت می‌تواند به سهامدار ثبت شده اجازه دهد که شخص دیگری را برای متنفع شدن یا اعمال نمودن حقوق مشخص شده‌ای از سهامدار نسبت به شرکت-من جمله تفویض حق رأی و مشارکت-به شرکت به جای خود معرفی نماید. در ماده ۱۴۶ نیز در مورد شرکتهای تأمین سرمایه-شرکت اصلی- این راهکار مصوب شد که این شرکت‌ها می‌توانند به سهامدار خود مجوز معرفی شخص دیگری را برای متنفع شدن از حقوق مربوط به اطلاعات شرکت بدهند و بر این اساس شرکت-تأمین سرمایه- مکلف به ارتباط مستقیم با نماینده سهامدار است (Sealy & Worthington, 2013, 205).

حقوق موضوع ماده ۱۴۵ این قانون شامل تمام حقوقی است که برای سهامدار قابل فرض است از آن میان حقوق موضوع مواد ۲۹۲، ۳۱۴ و ۳۳۸ که مرتبط با موضوع به جریان انداختن مصوبات و بیانیه‌های مجامع سهامداران است، همچنین حق مرتبط به الزام مدیران برای فراخواندن مجامع موضوع ماده ۳۰۳، حقوق مرتبط به دریافت گزارشات مالی سالیانه شرکت و دریافت اطلاعاتی که شرکت برای حضور در مجامع و دریافت مصوبات مجامع موضوع مواد ۴۲۳، ۳۱۰ و ۲۹۱ از قانون شرکتهای سال ۲۰۰۶ انگلستان. البته لازم به ذکر است زمانی ذینفع غیرمستقیم از سهام می‌تواند از راهکار موضوع ماده ۱۴۵ استفاده نماید که این موضوع یعنی اعطای نیابت به ثالث یا معرفی نامزده به شرکت برای انتفاع و اعمال حقوق ناشی از سهام، در اساسنامه شرکت برای سهامداران به رسمیت شناخته شده باشد که با توجه به گزارشات خانه شرکت‌ها تا سال ۲۰۱۲ تعداد اندکی از شرکت‌ها راهکار ماده ۱۴۵ را در اساسنامه خود

است. چنانچه از ارسال آگهی اطلاعیه تشکیل جلسه مجمع به اشخاصی که باید آنها از تشکیل جلسه مطلع شوند، به نحوی غفلت شود، این غفلت به جز در مواردی که ماده ۳۰۱ آن را مستثنا نموده، توسط دادگاه‌های انگلستان تصادفی فرض نشده و ممکن است با ضمانت اجرای ابطال جلسه و مصوبات آن روبرو شود. به عنوان مثال در پرونده «شرکت سهامی خاص سی.اچ. موسل وایت و پسر علیه موسل وایت»، مدیران به اشتباه اینکه شخص دیگری را عضو شرکت دانسته بودند، اطلاعیه تشکیل جلسه مجمع را ارسال نموده بودند. لکن از نظر دادگاه این اشتباه از اشتباهات تصادفی شناخته نشد (Hannigan, 2012, 341).

یکی از مواردی که به موجب بند ۲ از ماده ۳۳۷ قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ انگلستان موجبات مسئولیت کیفری برای مدیران شرکت را فراهم می‌کند، تقلب در حسابداری است. بدین معنا که چنانچه مدیران تصویر غلطی از وضعیت مالی شرکت را با دخل و تصرف در حساب‌ها و تنظیم گزارشات مالی شرکت به منظور کسب منفعتی برای خود و به ضرر سرمایه‌گذاران، ارائه دهند، به ۷ سال حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم می‌شوند (McLaughlin, 2013, 219).

همچنین به موجب بند یک از ماده ۵۶ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶، نظارت بر عملکرد مدیران در یک شق، به ارسال گزارشات مالی به یک سهامداران ظرف ۱۵ روز از تعیین سمت ایشان، همچنین آماده‌سازی گزارش سالیانه مالی پس از انقضای سال مالی و همچنین امکان اخطار از سوی سهامداران برای انجام این امر به مدیران قبل از انقضای سال مالی به موجب بند ۲ از ماده

چنانچه عدم رعایت این الزامات از ناحیه شرکت مشخص باشد به موجب بندهای ۱ و ۵ از ماده ۲۹۳ هر مدیری که مسئولیت این امر با اوست، مورد جریمه قرار می‌گیرد. به علاوه تخلف از الزام رعایت لغایت مهلت ۱۵ روزه ثبت مصوبات در دفتر شرکت، به موجب بند ۲ از ماده ۳۰ قانون سال ۲۰۰۶ جرم محسوب می‌شود (Sealy & Worthington, 2013, 358-360).

یکی از نکات جالب توجهی که در حقوق شرکت‌های انگلستان در رابطه با حمایت از اشخاص ثالث می‌توان بیان نمود این است این رویه قضایی است که در جایی که دادگاه متوجه شود سهامداران با قصد به حد نصاب نرسیدن جلسه مجمع و در نتیجه عدم تصویب تصمیم خاصی از حضور در مجمع خودداری می‌نمایند، در حالی که چنانچه موضوع جلسه منجر به تصویب تصمیمی شود که به ضرر شرکت یا سهامداران بوده و اینان برای اجتناب از رخ دادن وضعیت این چنینی از حضور در جلسه مجمع اجتناب می‌کنند، دادگاه بدون رعایت الزامات نصاب مندرج در قانون یا اساسنامه، مجمع را تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال زمانی که سهامداران آگاهند با حضور در مجمع و به نصاب رسیدن جلسه، گزارشات مالی در مجمع به اطلاع عموم می‌رسد که به ضرر شرکت بوده و برای اینکه ثالث از این وضعیت شرکت مطلع نشود، از حضور در مجمع امتناع می‌کنند، در حقیقت با سوء استفاده از حق خویش، به نوعی موجب اضرار به ثالث می‌گردند (Hannigan, 2012, 339).

ضمانت اجرای نقض رعایت حداقل فاصله زمانی بین نشر آگهی و تشکیل جلسه مجمع با توجه به رویه قضایی دادگاه‌های انگلستان و ماده ۳۰۱ از قانون سال ۲۰۰۶، ابطال جلسه و مصوبات آن

۵-۳. نقض مقررات راجع به معاملات در شرکتهای سهامی

در این قسمت به موارد نقض مقررات راجع به معاملات شرکتهای سهامی پرداخته خواهد شد.

۵-۳-۱. نقض مقررات راجع به معاملات در شرکتهای سهامی در حقوق ایران

در ماده ۱۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که قانون‌گذار بیان داشته: «اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت و هم چنین مؤسسات و شرکتهایی که اعضای هیأت مدیره یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیأت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازه نیز هیأت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع تقدیم کند. ...»، نسبت به معاملاتی که متضمن تعارض منافع مدیران شرکت با شرکت هستند، یک فرآیند کنترلی وضع شده است که در آن طرف معامله یا ذینفع در آن که عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل شرکت هستند حتماً باید مجوز هیأت مدیره را نسبت به انجام این معامله اخذ نموده و هیأت مدیره نیز در صورتی که مجوز این معامله را صادر نموده باید به ارائه گزارش در ائین مجمع عمومی در خصوص این معامله بپردازد. به علاوه بازرس نیز موظف است وظیفه نظارتی و گزارشگری خود در شرکت را راجع به این معامله انجام دهد. بنابراین در این

۵۶ قانون شرکتهای ۲۰۰۶ انگلستان، تنظیم گزارشات و حسابهای مالی با رعایت تشریفات قانونی مندرج در بند ۳ از ماده مذکور توسط مدیران، مشروط شدن معاملات مدیران ذینفع یا طرف در معامله با شرکت به اطلاع سهامداران و تصویب اکثریت عددی ایشان مستند به ماده ۶۸ قانون شرکتهای ۲۰۰۶ انگلستان، در اختیار قرار دادن اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت به بازرسان از سوی مدیران در راستای بازرسی مستند به ماده ۳۱۶ همان قانون و نهایتاً برقراری ضمانت اجرای جریمه مالی برای مدیرانی که به نقض مقررات مربوط به رعایت محدودیت‌های افشا و ارائه گزارشها پرداخته‌اند، مستند به بند ۴ از ماده ۵۶ قانون شرکتهای ۲۰۰۶ انگلستان، نشان‌دهنده این مطلب است که قانون‌گذار انگلیسی برای بررسی صحت عملکرد مدیران به وضع این احکام و قواعد حقوقی پرداخته است (Hannigan, 2012, 127).

نهایتاً هم در حقوق انگلستان چنانچه شرکت در وضعیت مالی نامناسبی مانند زمانی که در آستانه ورشکستگی است قرار داشته باشد، مدیران در تصمیم‌گیری‌های خود مکلف به رعایت منافع طلبکاران علاوه بر منافع سهامداران نیز خواهند بود. هرچند این تفکر با استناد به تئوری اجتماعی شرکت در برابر تفکر مکتب قراردادگرایی که بازار و آزادی قراردادی را برای حمایت از طلبکاران کافی می‌داند، در تقابل است و بیشتر حقوقدانان انگلیسی من جمله نهاد بازرگری قانون در انگلستان، مکتب قراردادگرایی را سرلوحه خود دارند دهد (Dignam & Lowry, 2012, 472-475).

شرکت با شرکت پرداخته که در صورت عدم رعایت توسط مدیران این منظور قانون گذار نقض می‌شود.

قانون گذار در سه بند از ماده ۲۵۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مواردی را پیش‌بینی نموده که در نقض مقررات راجع به معاملات شرکت مؤثر هستند. این سه بند عبارتند از: «... ۲- رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که ترازنامه غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند. ۳- رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند. ۴- رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که با سوء نیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا به خاطر شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند استفاده کنند».

فرض کنید رئیس و اعضاء هیأت مدیره با ارائه ترازنامه موهوم و برای پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام، بتوانند به نحوی رضایت صاحبان سهام را در خصوص انعقاد معاملاتی که تنها با کسب موافقت و تصویب در مجامع معاملات موضوع ماده ۱۳۲- ممکن است، اخذ نموده و بدین ترتیب معامله مزبور تنفیذ شود. در حالیکه اگر سهامداران از وضعیت واقعی شرکت آگاه باشند نه تنها معامله را تنفیذ ننمایند بلکه درخواست عزل مدیرانی که مسئول به بار آمدن چنین وضعیتی برای شرکت شده‌اند را نیز کنند. در این حالت فرضی جز تدلیس از عمل مدیران و بازرسی به

قسم معاملات چنانچه هر یک از اشخاص صاحب سمت‌های نامبرده در ماده از امر ماده سر باز زنند به نقض مقررات راجع به معاملات شرکت دست زده‌اند.

به علاوه در خصوص این دست معاملات، هیأت مدیره به موجب تبصره ۱ از ماده ۷ دستورالعمل حاکمیت شرکتی، هر یک از مدیران اصلی به موجب تبصره ۲، کارشناس رسمی منتخب از مرجع ذیصلاح قانونی به موجب تبصره ۴ و کمیته حسابرسی شرکت به موجب تبصره ۵ از ماده ۷ دستورالعمل حاکمیت شرکتی وظایفی را بر عهده دارند که ترک این وظایف نقض مقررات راجع به معاملات شرکت محسوب می‌شود.

در ماده ۱۳۲ نیز که قانون گذار به ارائه حکم بطلان معاملاتی که در آنها مدیرعامل و اعضاء هیأت مدیره می‌توانند از شرکت به اخذ اعتبار و تحصیل وام دست زنند و همچنین تضمین و دیون تعهدات آنها توسط شرکت پرداخته است. بنابراین چنانچه این اشخاص با سوء استفاده از اختیارات خود به این دست معاملات اقدام نمایند، ناقض مقررات راجع به معاملات شرکت شناخته شده و حسب مورد با ضمانت اجرای حقوقی بطلان معامله و همچنین ضمانت اجراهای کیفری و انضباطی مندرج در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، قانون بازار و اوراق بهادار جمهوری اسلامی و حتی در مواردی قانون مجازات اسلامی مواجه می‌شوند.

به علاوه در ماده ۱۳۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که بیان داشته: «مدیران و مدیر عامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند...»، قانون گذار به بیان محدودیت آمرانه دیگری در معاملات متضمن رقابت مدیران

«این مقرر هر چند برای حمایت از دارنده چک و بالا بردن اعتبار این سند وضع شده است، لیکن امنیت مالی مدیری را که بدون ارتکاب تقصیر چکی را صادر کرده سلب می‌کند» (عیسائی نفرشی و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۰).

در حقیقت به نظر می‌رسد این حقوقدانان معتقدند مسئول دانستن مدیران شرکت برای امضای سند تعهدآور چک از منظر این ماده موجب می‌شود که مدیران از سرعت عمل کافی در اعمال خود برخوردار نبوده و همواره احساس خطر نمایند. لکن باید به این نکته توجه داشت که ماهیت چک، اقرار به وجود وجه در حساب محل چک بوده و صادر کننده چک چه اصیل و چه وکیل یا نماینده اصیل، اساساً یا با آگاهی و علم به عدم کفایت موجودی به صدور چک اقدام و اقرار خلاف واقع می‌نماید که در این صورت زمانی که چک مزبور با عدم پرداخت روبرو می‌شود، مسئولیت صادرکننده، بنابر اقرار خلاف واقعی که از خود ابراز نموده، مفروض است و چنانچه بدون آگاهی و علم نسبت به صدور چک و اقرار به امری نموده که از آن اطلاعی نداشته، عمل وی مصداقی از تقصیر شناخته شده و بر اساس قواعد عمومی موجبات مسئولیتش را فراهم می‌آورد (بیرانوند و احمدی، ۱۴۰۰، ۱۲۸-۱۲۹).

۵-۳-۲. نقض مقررات راجع به معاملات

در شرکتهای سهامی در حقوق انگلیس

ماده ۱۷۵ از قانون شرکتهای ۲۰۰۶ انگلستان برای مدیران شرکت وظیفه ای تحت عنوان «وظیفه پرهیز از تعارض منافع» را برشماری می‌کند. در سال ۱۸۷۳ لرد کرنورث در دعوی «کلمن در مقابل بازرگانی اعتباری امپراتوری آسک» در رأیی که صادر نموده چنین بیان می‌کند که: «طبیعت بشری در شرایطی که خطر

ذهن نمی‌رسد که در ماده ۱۴۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت به این وظیفه بازرسین اشاره شده است. در صورتی که اظهار نظر حسابرس و بازرس قانونی شرکت اشتباه یا کذب باشد یا بدون دقت کافی تنظیم شده باشد یا صورت‌های مالی به غلط یا اشتباه یا از سر بی دقتی یا به هر دلیل دیگری صحیح جلوه داده شده باشد یا از مقررات قانونی در این خصوص تخلف صورت گرفته باشد، احتمال می‌رود سهامداران و عموم جامعه به استناد تأیید صورت‌های مالی توسط بازرس و حسابرس شرکت، به آن شرکت اعتماد نمایند و سرمایه خود را به اشتباه وارد آن شرکت کرده و ضرر و زیان زیادی متوجه آنان شود (میرسعیدی و جوانمردی، ۱۳۹۵، ۱۱۷-۱۱۸).

مورد دیگری که امکان نقض آن در معاملات شرکت وجود دارد به عدم آگاهی مدیران از وضعیت شرکت باز می‌گردد. هر چند که راجع به این مورد مقرره مخصوصی که صراحت داشته باشد یافت نشد، اما از بعضی عمومات باید این امر را دریافت. به طور مثال به موجب ماده ۱۹ قانون صدور چک که در سال ۱۳۹۷ اصلاح شد، قانون‌گذار این چنین مقرر نمود: «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب امضا متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو نفر صادر می‌شود. به علاوه امضاکننده چک طبق مقررات این قانون مسولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است، که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود».

بنابراین تخطی از وظایف نامبرد در فوق نسبت به معاملات شرکت که توسط مدیران یا اشخاصی که به آنان اعطای اختیار شده است، نقض مقررات راجع به معاملات در شرکت‌های سهامی در حقوق انگلیس شمارده می‌شود. در دعوای «شرکت سهامی خاص چند ملیتی گاز و پتروشیمی در مقابل شرکت سهامی خاص چند ملیتی خدمات گاز و پتروشیمی» در سال ۱۹۸۳ بیان شده ماهیت وظیفه اصلی مدیران شرکت در حقوق انگلستان، امانتداری و وفاداری کامل است. بر همین اساس چنانچه مدیران در معاملات شرکت اعم از اینکه طرف معامله با شرکت باشند یا نباشد، باید تمامی هفت وظیفه فوق را به طور کامل رعایت نموده باشند (Dignam & Lowry, 2012, 335).

۴-۵. حمایت از حقوق اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات راجع به معاملات در شرکت‌های سهامی

حمایت از حقوق اشخاص ثالث در معاملات شرکت‌های سهامی توسط قانون‌گذاران ایرانی و انگلیسی مورد توجه واقع شده است که در این قسمت به تفکیک مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۴-۵-۱. حمایت از حقوق اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات راجع به معاملات در شرکت‌های سهامی در حقوق ایران

یکی از دیدگاه‌هایی که در خصوص نقش مدیران در ارتباطات حقوقی با سایر اشخاص خارج از شرکت و ارکان آن توسط حقوقدانان بیان شده، وکالت مدیران از سوی شرکت است در چهارچوب ماده ۵۱ قانون تجارت ۱۳۱۱ است. هرچند به نظر می‌رسد با تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت باید قائل به نسخ شدن این ماده بود لکن در بعضی موارد همچنان حقوقدانان برای رفع

تعارض منافع در موقعیتی که شخصی که به موجب قانون الزام به رعایت منافع دیگری و حفاظت از منافع او دارد در مقابل کسب منافع خویش تحت تأثیر قرار بگیرد...» (Hannigan, 2012, 221).

مدیران شرکت‌های سهامی انگلستان مانند سایر شرکت‌ها تجاری که تحت شمول این قانون هستند موظفند بر اساس قواعدی همچون قاعده عدالت محور عدم ورود نماینده به تعهداتی که می‌داند اصیل راضی به ورود به آنها نیست، قاعده عدم تعارض منافع که در آن منافع نماینده و اصیل در تعارض با یکدیگر قرار گرفته و امکان تخطی از وظیفه محافظت منافع اصیل از سوی نماینده وجود دارد و این قاعده مبنی بر ممنوعیت انتفاع شخص امانتدار از آنچه مورد وظیفه حفاظت و امانتداری وی قرار دارد، وظیفه وفاداری بی‌نقصی در مقابل اصیل خود دارند (Hannigan, 2012, 221).

مواد ۱۷۱ تا ۱۷۷ از قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ انگلستان به تبیین هفت وظیفه عمومی مدیران در قبال اعمال شرکت می‌پردازد که مدیران در تمام اعمالی در شرکت انجام می‌دهند اعم از اینکه انعقاد قراردادها و معاملات شرکت باشد یا مدیریت امور اداری و داخلی شرکت. این هفت وظیفه عمومی عبارتند از وظیفه عمل در چهارچوب اختیارات اعطایی شرکت، وظیفه ارتقای موفقیت شرکت، وظیفه قضاوت بی‌طرفانه، وظیفه اعمال مراقبت از شرکت با مهارت و کوشش، وظیفه اجتناب از تضاد منافع، وظیفه عدم پذیرش منافع از شخص ثالث و وظیفه اعلام منفعت در معاملات و توافقات شرکت (Roach, 2014, 68-78).

هیچ عنوان به معنای تجویز اقدام برخلاف آنچه که متعارف و معقول است نخواهد بود.» لکن نباید در استناد به این رأی وحدت رویه به خصوص در مورد معاملات مدیران جز همانگونه که نماینده دادستان کل کشور نیز بدان تصریح کرده یعنی «... در فرضی که در وکالتنامه عبارت فروش به هر مبلغ قید شده و موکل آن را تنفیذ نکرده» بیش از قید پیش رفت. به هر روی، جوهره اصلی شرکتهای تجاری به استقلال شخصیت آنان از شرکا و مدیران خود بازگشته و قانونگذار با هدف تسهیل در تنظیم روابط متعدد تابعان حقوق در حوزه تجارت، جز در موارد استثنایی انتساب مسئولیت و تکالیف شرکت در برابر اشخاص ثالث را به مدیران نمی‌پذیرد (کاویانی، ۱۳۹۷، ۲۵۹).

اما در خصوص مدیر عامل با توجه به اینکه برخی حقوقدانان با استناد به ماده ۱۲۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، یکی از وظایف هیأت مدیره را انتخاب مدیر عامل و تعیین حق الزحمه برای او بوده، وضعیت مدیر عامل با شرکت را تابع قانون کار می‌دانند (صقری، ۱۴۰۱، ۵۱۶) و با استناد به ماده ۱۲۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، رابطه شرکت با مدیرعامل را یک رابطه قراردادی دانسته و معتقدند که مدیران من جمله مدیر عامل در مقام اجرای تکالیف باید حدود اختیارات خود را در نظر بگیرند (کاویانی، ۱۳۹۷، ۲۶۱). لکن چنانچه مدیرعامل را تنها کارگر یا وکیل شرکت تلقی نموده و استناد به مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، در مواردی که مدیر عامل خارج از حدود صلاحیتها و اختیاراتی که هیأت مدیره بدو تنفیذ نموده است، غیرموجه بدانیم (فرحناکیان، ۱۳۹۶، ۷۹۵)، حقوق اشخاص ثالث در معرض تضییع و مخاطره قرار می‌گیرد.

مسئولیت اعمال مدیران خارج از صلاحیت آنان از شرکت، این ماده را مورد استناد خود قرار می‌دهند.

به علاوه در یکی از آرای وحدت رویه از سوی دیوان عالی کشور به شماره ۸۴۷-مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ که با عنوان «بطال معامله موضوع سند رسمی به دلیل عدم رعایت غبطه و مصلحت موکل توسط وکیل در فرضی که در وکالتنامه عبارت فروش به هر مبلغ قید شده و موکل آن را تنفیذ نکرده»، منتشر شده، استدلال نماینده دادستان کل کشور جالب توجه است: «اولاً: مستفاد از مواد ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۱۰۷۳ و ۱۰۷۴ قانون مدنی، قاعده عمومی این است که وکیل باید در حدود اختیارات تفویض شده به وی اقدام نموده و در تصرفات و اقدامات خود مصلحت و غبطه موکل را مراعات نماید و در صورت تجاوز از حدود وکالت و یا عدم رعایت مصلحت موکل، عمل وکیل فصولی محسوب و مطابق مواد ۲۴۷ به بعد قانون مدنی متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود. ثانیاً: این قاعده عمومی در هر حال باید مراعات شود و در صورت تردید در خصوص ضرورت رعایت یا عدم رعایت این تکلیف، باید به اصل رجوع شود و به لزوم رعایت آن حکم نمود. بر این اساس، در فرضی که در متن وکالتنامه عبارت (به هر مبلغ یا به هر قیمت) و یا عباراتی از این قبیل درج شده باشد، و تردید شود که غبطه و مصلحت موکل باید رعایت شود یا نه، باید به اصل رجوع نمود و این عبارات به معنای معافیت وکیل از رعایت غبطه و مصلحت موکل نخواهد بود، بلکه به دلالت التزامی در هر حال وکیل ملزم است حداقل‌های عرفی را مراعات نموده و در اقدامات خود مصلحت و غبطه موکل را در حدود عرف در نظر داشته باشد، و قید عباراتی از قبیل به هر قیمت یا به هر مبلغ به

مدت محرومیت برای سمت مدیریت شرکت، ممنوع دانسته است.

موضوع دیگری که در حمایت از اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات راجع به معاملات شرکت‌های سهامی باید به آن اشاره داشت، تعیین مدیران، مدیر عامل و نمایندگان جدید شرکت (ذیل مواد ۱۰۶ و ۱۲۸ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و همچنین ماده ۷ قانون ثبت شرکت‌ها) و الزام به ثبت تغییرات در این خصوص است. باتوجه به مفاد مواد مزبور، اشخاص ثالث می‌توانند به مصوبات ثبت نشده شرکت نیز استناد نمایند اما این فرض برای شرکت قابل تصور نبوده و بار اثبات عدم اطلاع طرف معامله با مدیر یا نماینده‌ای را که به امضای قرارداد از طرف شرکت پرداخته ولی هنوز صورتجلسه انتصاب او به ثبت نرسیده و اطلاعیه آن منتشر نشده است، بر عهده شرکت خواهد بود.

مطلب دیگر که باید مورد اشاره قرار گیرد، انعقاد معاملات خارج از موضوع شرکت است. قانون‌گذار در حالی ضمانت اجرای تجاوز از موضوع شرکت در معاملات آن را در وضعیت سکوت رها کرده است که ایجاد شخصیت حقوقی شرکت را منوط به تعیین موضوع شرکت و همچنین یکی از اسباب انحلال شرکت را عدم امکان انجام موضوع تعیین شده یا انجام کامل آن دانسته است (غریبه و پوررضائی، ۱۳۹۸، ۱۹۷-۲۰۰).

اکثریت حقوقدانان ایرانی با استناد به ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، بر مبنای رویکرد حمایت از شرکت و همچنین با استناد به اصل تخصص در تفسیر اهلیت شرکت به محدوده موضوع آن، معتقدند که معاملات خارج از موضوع شرکت اساساً باطل است لکن به نظر می‌رسد تفسیر بهتری نیز از احکام مواد ۱۱۸

از جمله مواردی که می‌توان آن را اقدام قانون‌گذار در جهت حمایت از اشخاص ثالث در مورد مقررات مرتبط با معاملات در شرکت‌های سهامی در نظام حقوق شرکت‌های سهامی برشمارد، ماده ۱۱۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت است. قانون‌گذار در این ماده چنین بیان داشته که: «اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: ۱- محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است. ۲- کسانی که به علت ارتکاب جنایت با یکی از جنبه‌های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت: سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، جنبه‌هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است، اختلاس، تدلیس، تصرف غیر قانونی در اموال عمومی. تبصره- دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود».

باید این امر را پذیرفت که دیدگاه قانون‌گذار در رابطه با افرادی که در شمول این ماده قرار می‌گیرند، دیدگاهی است با هدف حمایت از اشخاص ثالث که به نحوی طرف رابطه حقوقی با شرکت هستند و با اعتماد به این اشخاص مدیر، در شرکتی سرمایه‌گذاری نموده یا با آن شرکت طرف معامله قرار می‌گیرند. همچنین قانون‌گذار به طور مخصوص در بند ۲ این ماده، برای پیشگیری از حیف و میل شدن سرمایه‌های اشخاص ثالث، انتخاب اشخاصی که به موجب جرایم برشمرده شده در این بند، از حقوق اجتماعی محروم گشته‌اند را در

یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود» مورد شناسایی قرار داد.

به نظر نگارندگان، نباید مسئولیت معامله خارج از موضوع شرکت بر عهده شخص ثالث طرف معامله با شرکت و بر اساس قاعده اقدام تعریف شود. شخص ثالثی طرف معامله با شرکت است حتی با علم به مفاد اساسنامه و آگاهی نسبت به موضوع شرکت، با اعتماد به ظاهر نمایندگان شرکت و در نظر گرفتن اعتبار شرکت، معامله مزبور را انجام می‌دهد. همچنین با این توجیه که اقدام مدیران یا نمایندگان شرکت به انعقاد معامله خارج از موضوع شرکت، چنانچه در راستای دستیابی به هدف موضوع شرکت باشد، باطل نیست و اساساً شخصی که خارج از شرکت است چگونه می‌تواند معاملات خارج از موضوع شرکت را به طور دقیق بشناسد و به علاوه اصل صحت، از نظر منطقی باطل دانستن این دست معاملات حداقل در مورد اشخاص ثالث با حسن نیت، معتبر به نظر نمی‌رسد. به علاوه آنچه در میان حقوقدانان ایرانی در شناخت مسئولیت برای مدیران شرکت در برابر سهامداران و شرکت مشهور است، نه وکیل شناخته شدن مدیران شرکت بلکه در حکم امین شناخته شدن به جهت تکالیفی است که مدیران در قبال شرکت و سهامداران دارند نزدیکی زیادی با نهاد وکالت دارد (کویانی، ۱۳۹۷، ۲۵۸-۲۶۰؛ کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۶۶).

۵-۴-۲. حمایت از حقوق اشخاص ثالث

در موارد نقض مقررات راجع به معاملات

در شرکتهای سهامی در حقوق انگلیس

تأثیر حسن نیت در معامله با شرکت در ماده ۴۰ قانون شرکتهای سال ۲۰۰۶ انگلستان مورد بیان قرار گرفته است. ماده ۴۰ که با عنوان «قدرت مدیران برای ملزم ساختن شرکت» در این قانون

لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و ۵۸۸ قانون تجارت بتوان ارائه داد. استثنای وارد بر اهلیت عام اشخاص حقیقی در مورد اشخاص حقوقی در ماده ۵۸۸ تنها به اموری بازگشته که مخصوص ذات انسان است و چنانچه اعتقاد قانون‌گذار مبنی بر محدود بودن اهلیت شرکت در قالب موضوع بود باید به طور صریح به وضع آن در یکی از نصوص قانونی می‌پرداخت و در واقع ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، تنها بیانگر حدود اختیارات مدیران شرکتهای سهامی بوده و استناد به آن برای اعلام بطلان معاملات خارج از موضوع شرکت مغایر مقصود قانون‌گذار خواهد بود. چرا که چنانچه قانون‌گذار با وضع ماده ۱۱۸ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، به دنبال اعلام بطلان معاملات خارج از موضوع شرکت بود، همانند ماده ۱۳۲ به صراحت حکم بطلان این دست از معاملات را بیان می‌نمود. بنابراین ماده ۱۱۸ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در مقام بیان بطلان معاملات خارج از موضوع شرکت نیست (غریبه و پوررضائی، ۱۳۹۸، ۲۱۲-۲۱۳ و ۲۱۸).

لکن با توجه به اینکه نظر اکثریت حقوقدانان ایرانی بر بطلان معاملات خارج از موضوع شرکت استوار است، می‌توان راهکار قانون‌گذار در راستای حمایت از اشخاص ثالث را با استناد ماده ۱۴۲ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که بیان داشته: «مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر

نامیده شده، چنین مقرره‌ای را بیان می‌کند: «(۱) نمی‌توان در اساسنامه شرکت اختیارات مدیران را در معامله با و همچنین صدور مجوز در اعطای اختیار به دیگری برای معامله با شخص با حسن نیت مقید نمود. (۲) بدین منظور (الف) شخصی که با شرکت در ارتباط است اعم از اینکه این ارتباط یک معامله باشد یا هر عمل دیگری، طرف (ذینفع مستقیم) است، (ب) شخصی که در ارتباط با شرکت است (یکم) موظف به تحقیق در مورد محدودیت اختیارات مدیران برای الزام شرکت یا اعطای مجوز به دیگران برای انجام این کار نیست. بنابراین (دوم) فرض بر این است که با حسن نیت عمل کرده است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود، و (سوم) تنها به این دلیل که او می‌داند که یک عمل خارج از اختیارات مدیران طبق اساسنامه شرکت است، نباید اقدام وی به عنوان عدم حسن نیت تلقی شود. (۳) ارجاعات فوق به محدودیت‌های مدیران در اساسنامه شامل (الف) هرگونه مصوبه‌ای که توسط هر کلاسی از سهامداران به تصویب برسد، یا (ب) هرگونه توافقی که میان هر یک از اعضای شرکت با هر کلاسی از سهامداران، نیز می‌شود. (۴) این ماده بر هیچ‌یک از حقوق اعضای شرکت برای اقامه دعوی برای جلوگیری از انجام عملی که خارج از اختیارات مدیران است تأثیری نمی‌گذارد. اما چنین دعاوی نمی‌تواند مبتنی بر عملی که باید در راستای اجرای یک تعهد قانونی ناشی از عمل قبلی شرکت بوده، مطرح شود. (۵) این ماده هیچ‌گونه مسئولیتی را که مدیران یا هر شخص دیگری به دلیل تجاوز از اختیارات مدیران متحمل شده اند، تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.»

در قضیه «اسمیت مقابل هنیکر ماژور و شرکت»، اسمیت که یکی از مدیران، رئیس هیأت مدیره و

مالک ۳۰ درصد از سهام شرکت بوده، جلسه هیأت مدیره‌ای را برگزار نموده که تنها او در آن جلسه حضور داشته و در آن جلسه تصویب نموده که اختیار طرح دعوا علیه یک مؤسسه وکلای دادگستری بدو سپرده شود. آن مؤسسه وکلای نیز برای رد سمت مدیر اسمیت در طرح دعوا علیه ایشان، چنین استدلال نمود که این واگذاری باطل است زیرا تصمیم در جلسه‌ای بدون حد نصاب دو نفر از مدیران طبق اساسنامه شرکت اتخاذ شده است. مدیر در مقابل چنین دفاع نمود که او شخص ثالث با حسن نیت محسوب بوده و استدلال مؤسسه وکلای دادگستری نباید پذیرفته شود، چرا که موجب از بین رفتن اعتبار معامله شخص با حسن نیت می‌شود. قاضی دادگاه بدوی اینطور دریافت نمود که معامله مدیر با شرکت بر اساس آنچه در اساسنامه شرکت مقرر شده، معتبر است. دادگاه تجدیدنظر اما معتقد بود که دفاع اسمیت قابل قبول نیست و بنابراین معامله او با شرکت نامعتبر است. بر اساس استدلال دادگاه تجدیدنظر، اگر چه رویه قضایی که اکنون در حکم ماده ۴۰ در قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ توسط قانون‌گذار بیان شده، به اندازه‌ای عام هست که مدیران شرکت نیز به عنوان شخص با حسن نیت شناخته شوند، اما اختیار این تفسیر به دادگاه باز می‌گردد و در عین حال نفع عمومی ایجاب نمی‌کند که مدیر اسمیت با استناد به عمومیت این حکم بتواند بر اشتباه خود-یعنی نقض مقررات مربوط به تصمیم‌گیری هیأت مدیره و اعطای اختیار در معامله از سوی شرکت با خود-برای استفاده از حکم ماده ۴۰ حساب نماید. بنابراین در این پرونده دادگاه با استناد به رویه قضایی حکم مسئله را مشخص نمود. در قضیه «موریس در مقابل کنسن» در سال ۱۹۴۶ دادگاه تجدیدنظر به طور صریح چنین مقرر داشت که مدیران در معامله با شرکت نمی‌توانند از فرض

تعقیب کیفری در خصوص آن قرار بگیرند عبارتند از تقلب در قانون تقلب ۲۰۰۶، دریافت رشوه در قانون رشوه ۲۰۱۰ و چنانچه مدیران با توافقات خلاف واقع به دریافت سود از معاملات شرکت برسند، این عمل آنان تحت عنوان کلاهبرداری قابل پیگیری کیفری است (Hannigan, 2012, 275).

۶. نتیجه

تفاوت مهم میان حقوق ایران و حقوق انگلستان در مورد اصل تشریفاتی بودن شرکتهای سهامی است. در حقوق ایران به موجب ماده ۲۷۰ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، اصل بر تشریفاتی بودن تمام اعمال در شرکتهای سهامی است و تفکیکی از جهت شرکت سهامی عام یا خاص در این خصوص وجود ندارد. اما در حقوق انگلستان بیشتر شرکتهای سهامی خاص الزامی به رعایت تشریفات نداشته و تنها شرکت-های سهامی خاصی که تعداد زیادی سهامدار داشته و شرکتهای سهامی عام ملزم به رعایت تشریفات هستند. این موضوع برخاسته از نقش رویه قضایی انگلستان در مواردی که مدیران شرکت از برگزاری جلسات با استفاده از معاذیر و روشهای قانونی خودداری نموده و با استفاده از معاذیر قانونی ناشی از رعایت تشریفات موجب بی اعتباری جلسه مجمع می شوند، است. قوانین حاکم بر حقوق شرکتهای سهامی ایرانی از جنس قواعد آمره بوده و در حالی که تفسیر مبسوط و مناسبی وجود از شرایط و وظایف در این قوانین موجود نیست، رویه قضایی می تواند تأثیر مفیدی را در راهنمایی قانونگذار نسبت به نیازهای قانونی روز فضای اقتصاد و شرکتهای سهامی ایرانی داشته باشد. کما اینکه در خصوص فرآیند انجام معاملات در شرکتهای سهامی خصوصی، به دلیل فقدان یک دستورالعمل نمونه، مشاوران حقوقی

حسن نیت شخص ثالث در معامله با شرکت استناد کنند. بدین علت که مدیران نمی توانند به اشتباه خودشان برای رفع مسئولیت استناد نمایند چرا که موجب «تشویق به جهل و چشم پوشی از وظایف» مدیران شرکتهای می شود (McLaughlin, 2013, 249). مدیران شرکتهای سهامی انگلستان مطابق مواد مختلفی از قانون شرکتهای ۲۰۰۶، در قالب عناوین مختلف وظایفی را در خصوص شرکت و سهامداران بر عهده دارند. یکی از این وظایف به موجب مواد ۱۷۷ و ۱۸۲ از این قانون وظیفه مدیر نسبت به اعلام وجود منفعت در معاملات یا توافقات شرکت است. به موجب ماده ۱۷۲، مدیران شرکتهای تجاری انگلستان در معاملات و توافقات شرکت چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم نفعی ببرند باید این موضوع را در یک اعلامیه بیان کنند. این اعلامیه باید قبل از انعقاد معامله با شرکت یا ورود شرکت به توافقات صادر شده باشد. در مورد معاملات یا توافقاتی که شرکت تصمیم به خروج از آنها می گیرد نیز به موجب ماده ۱۸۲ از قانون شرکتهای ۲۰۰۶ انگلستان، مدیر ذینفع باید اعلامیه ای مبنی بر اینکه ذینفع است قبل از خروج شرکت صادر نماید (Roach, 2014, 78).

هدف از نیاز به تایید قبلی سهامداران در معاملات دارایی های قابل توجه شرکت با مدیران این است که به اعضای شرکت فرصتی داده شود تا هرگونه سوء استفاده احتمالی از موقعیت توسط مدیران به طور گسترده تری مورد بررسی قرار گیرد و تصمیم عینی تری گرفته شود (Hannigan, 2012, 267). به علاوه تعقیب کیفری مدیرانی که وظایف خود در خصوص معاملات شرکت را نقض می کنند در قوانین مختلف انگلستان برای حمایت از اشخاص ثالث پیش بینی شده است. از جمله جرایمی که ممکن است مدیران مورد

اکثر این شرکت‌ها از آیین‌نامه‌های معاملات و تضمین معاملات شرکت‌های دولتی به عنوان نمونه استفاده می‌کنند. حال اینکه ضروریات مقتضی در روش انجام معاملات و رقابت در فضای شرکت‌های دولتی با شرکت‌های خصوصی بسیار متفاوت است. برای دستیابی به این منظور در سال‌های اخیر، قوه قضائیه تلاش‌هایی را در راستای انتشار آرای صادره در سامانه‌های مختلف همچون سامانه ملی آراء، تارنمای مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی و ... نموده است. لکن آنچه در برخورد با چالش‌هایی که در خصوص حمایت از حقوق اشخاص ثالث در اعمال شرکت‌های سهامی در حقوق شرکت‌های تجاری ایران بایستی مورد توجه ویژه قرار بگیرد، متغیرهای مؤثر در فضای اقتصاد ایران با مبانی اقتصادی مؤثر در حقوق انگلستان از تفاوت‌های بسیاری برخوردار است. به عنوان مثال مداخله دولت در بازار و تحت لوای شرکت‌های دولتی بسیار زیاد با حجم معاملات بالا که عملاً فعالیت آنان جز برای خود دولت، آحاد مردم در هاله‌ای از ابهام قرار داشته و عموماً جز انتشار یک رقم از تعداد این شرکت‌ها در انتشار قانون بودجه کل کشور و میزان بودجه‌ای که بدان‌ها تخصیص یافته است، اطلاعات دیگری منتشر نمی‌شود. چالش جدی‌تر به فرسودگی مقررات لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ است که با نیازهای روز اقتصاد ایران فاصله بسیاری دارد. اگرچه در خصوص شرکت‌های سهامی عام، مقررات حاکم بر قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴، قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی مصوب ۱۳۸۸ و دستورالعمل‌های صادره از سوی هیئت مدیره سازمان بورس، وجود دارد؛ لکن بیشتر این دستورالعمل‌ها به جای ضمانت

اجرای واقعی، حالت ارشادی داشته و نوعی از هم‌گسیختگی و ناهماهنگی میان مقررات آن‌ها ملاحظه می‌شود. به هر روی، در حقوق دو کشور، معاملات مدیران شرکت‌های سهامی با اشخاص ثالث، دارای اعتبار است. از این منظر، استناد شرکت به اینکه مدیر شرکت خارج از صلاحیت و اختیارات خود، اقدام به معامله با اشخاص ثالث کرده است، پذیرفته نیست. حمایت از حقوق اشخاص ثالث به گونه‌ای است که حتی اگر مدیر با عدم طی تمام و کمال صحت در تشریفات حقوق شرکت‌ها انتخاب شده باشد و یا تاریخ مدیریت وی منقضی شده باشد و یا معامله شرکت از سوی مجمع عادی آن نیز مورد تصویب قرار نگیرد باز هم معامله مدیر عامل با شخص ثالث معتبر است. ضمانت اجرای حمایت از حقوق اشخاص ثالث بر عهده کسانی است که اجازه چنین معامله‌ای را داده‌اند که هیأت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع را شامل می‌شود. آنها به صورت تضامنی مسئولیت جبران خسارت وارده را برعهده دارند. به نظر نگارندگان، یکی از موضوعاتی که در حمایت از اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات راجع به معاملات شرکت‌های سهامی در حقوق ایران به نظر می‌رسد باید مورد بحث قرار بگیرد، به موضوع انتخاب مدیران شرکت به عنوان رکن اجرایی و مبرز اراده شرکت در انعقاد قراردادها و معاملات باز می‌گردد. در پایان باید خاطر نشان نمود که، تفاوت اصلی میان الزاماتی که در حقوق ایران و حقوق انگلیس در خصوص مقررات راجع به فرآیند اداره شرکت‌های سهامی قابل مشاهده است، این است که در حقوق ایران اصل بر آمره بودن مقررات حاکم بر حقوق شرکت‌های سهامی است؛ در حالیکه پس از تصویب قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ در انگلستان، آنچه در

تفاوت آشکار با قوانین شرکتهای قبلی این کشور مشاهده می‌شود اصل تکمیلی بودن مقررات حاکم بر شرکتهای سهامی است مگر در موضوعاتی که امکان تضییع حقوق اشخاص ثالث در آنها وجود داشته باشد.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- شرکت (مطالعه‌ای در حقوق ایران و انگلیس)، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۸، ۱۳۹۸.
- فرحناکیان، فرشید، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶.
- کاتوزیان، دکتر ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵.
- کاویانی، کوروش، حقوق شرکت‌های تجاری، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۷.
- میرسعیدی، سید منصور، جوانمردی، محمد، «تحلیل جرم اظهارنظر غیرقانونی بازرس و حسابرس نسبت به اطلاعات مالی ارائه شده»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۶، ۱۳۹۵.

منابع لاتین

- Dignam, Alan, Lowry, John, Company law, Oxford, Oxford University Press, UK, 2012.
- Hannigan, Brenda, Company law, Oxford, Oxford University Press, UK, 2012.
- Lowry, John, Reisberg, Arad, Pettet's Company Law Company Law and Corporate Finance, Essex, Pearson Education, 2012.
- McLaughlin, Susan, Unlocking company law, London, Routledge, 2013.

- اسکینی، ربیعاً، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، جلد دوم، تهران، سمت، ۱۳۹۸.
- بیرانوند، فرید، احمدی، فاطمه، «مسئولیت حقوقی و کیفری وکیل در صدور چک از منظر فقه امامیه و قانون صدور چک»، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، شماره ۳، ۱۴۰۰.
- حاجیها، زهره، چناری، حسن، «تأثیر قابلیت مقایسه حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر کیفیت حسابرسی»، فصلنامه قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، شماره ۵، ۱۴۰۲.
- صادقیان ندوشن، مهرداد، باقری، محمود، «تعارض منافع ذینفعان شرکت‌ها و راهکارهای حل آن»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۳، ۱۳۹۵.
- صقری، دکتر محمد، حقوق بازرگانی شرکت‌ها، تهران، مجد، ۱۴۰۱.
- عیسائی تفرشی، محمد، شهبازی‌نیا، مرتضی، جرفی، اسماء، «مسئولیت مدیران شرکت‌های تجاری ناشی از امضای سند تجاری شرکت با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در حقوق انگلیس و ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۳، ۱۳۹۹.
- غریبه، دکتر علی، پوررضائی، علی، «گستره حمایت از اشخاص ثالث در قواعد حاکم بر معاملات خارج از موضوع

- Roach, Lee, Company Law Concentrate: Law Revision and Study Guide, Oxford, Oxford University Press, 2014.
- Sealy, Len, Worthington, Sarah, Sealy & Worthington's cases and materials in company law, USA, Oxford University Press, 2013.

